

وضعیت آموزش موسیقی در مدارس ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

گذشته، مورد تردید و سؤال قرار نمی گیرد و در واقع بها دادن به این امر، توانایی های گسترده ای را پیش روی می گشاید.

چرا موسیقی و آموزش آن، بخشی از آموزش های پایه به شمار می رود؟

هنرها به عنوان یکی از پنج دستاورد دانشی انسان، در کنار ریاضیات و علوم، ادبیات و زبان،

موسیقی به مدارس تعلق دارد؛ نه به این دلیل که جالب و سرگرم کننده است و اوقات فراغت را پر می سازد و نه از این روی که آرامش به ارمغان می آورد و با جامعه سازگار است، البته موسیقی تمامی این موارد را دربر دارد اما؛ به مدرسه تعلق دارد، زیرا که پایه آموزش محسوب می شود. موسیقی در واقع، راهی ارزشمند برای رسیدن به دانش و معرفت به شمار می رود.

امروزه دیگر، ارزش آموزش موسیقی، همچون

امروزه دیگر، ارزش آموزش موسیقی، همچون گذشته مورد تردید و سوال قرار نمی گیرد.



هنرها به عنوان یکی از پنج دستاورد دانشی انسان، در کنار ریاضیات و علوم، ادبیات و زبان، جامعه شناسی و مطالعات مربوط به آن و حرفه ها قرار می گیرد.

امروزه موسیقی از حد یک سرگرمی یا هیجان فراتر رفته، به طوری که تأثیرات شناختی آن، در افزایش توان ذهنی، تمرکز، مهارت حرکتی و هماهنگی حواس، از فعالیت های دیگر هنرها بارزتر است. از سویی آموزش موسیقی به خاطر مفاهیم انتزاعی، نیاز به روش هایی دارد که کودکان و نوجوانان را در مسیر تجربه و فعالیت های عینی و ملموس قرار دهد و فرایند یادگیری را آسان و سریع سازد. این گونه است که ضرورت آموزش مناسب موسیقی، به عنوان برنامه ای عمومی،

جامعه شناسی و مطالعات مربوط به آن و حرفه ها قرار می گیرد. امروزه کاربرد هنر، به نوعی فراگیر و مهم تلقی شده است که در علوم و حرفه، رد پا و نقش مهم آن را می توان نظاره کرد. ریاضیات، فیزیک و روانشناسی، علوم می هستند که به نوعی با موسیقی مرتبط بوده، مباحث ویژه ای، پیوند میان آنها را نمایان می سازد. این اتصال، تا جایی پیش می رود که به درمان و تعلیم و تربیت می رسد.



هنر مدارس وجود نداشته است و اگر هم در برخی مدارس به این مهم پرداخته شود، جزو دروس فوق برنامه محسوب می شود. غالباً مربیان مدارس معتقدند که موسیقی در یادگیری بهتر اشعار کتب درسی، بسیار مؤثر است و کودکان، اشعاری را که با ملودی و آهنگ به ذهن می سپارند، دیرتر فراموش می نمایند.

غالباً و متأسفانه در مدارس کشورمان، چندان توجهی به وضعیت آموزش دروس هنری نمی شود و با وجود علاقه دانش آموزان به این دروس، زنگ و ساعات دروس هنر، چندان جدی تلقی نمی گردد. بیشتر مدارس، امکاناتی برای آموزش و حتی شناخت موسیقی ندارند و در کل، بر طبق دستورالعمل آموزش و پرورش، هیچ برنامه ای برای آموزش موسیقی در کلاس، در نظر گرفته نشده است و ایجاد گروه های سرود، و یا شعرخوانی و دیگر فعالیت های هنری، مختص ساعات فوق برنامه است. گه گاه نیز از این هنر، در حد برنامه ای در روزهای جشن و اعیاد استفاده می شود که جنبه ی آموزشی ندارد. در واقع به دلیل نبودن برنامه ریزی مشخص، در راستای آموزش موسیقی در مدارس، توسط آموزش و پرورش، طبیعتاً این امکان وجود ندارد که در مدارس دولتی کشورمان، نتایج قابل توجهی در این زمینه به دست آید. اما مسئله ای که در برنامه ریزی این ارگان، دو گانه جلوه می کند، ایجاد گروه های «سرود و آهنگ های انقلابی» در مدارس، تحت نظر ارگان پرورشی و همچنین طرح درس سرود در کتاب های آموزش هنر در مقطع دبستان و راهنمایی، در دهه ۶۰ است.

در مقاطع تحصیلی تا پیش از دانشگاه، احساس می شود؛ آموزشی که پرورش همه جانبه کودکان را، سوای آموزش موسیقی، به آنان دربر می گیرد.

آموزش موسیقی ملی و اروپایی، نخستین رشته آموزشی هنری بود که در ایران به آن پرداخته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی افراد و مراجع مختلف، درباره موسیقی موضع گیری های مختلف اعمال شد. اما در شرایط کنونی، بیش از گذشته به موسیقی توجه می شود و زمینه برای فعالیت موسیقی دانان، کمابیش مهیا شده است، چنان که زمینه های مختلف این هنر و پرداختن به آنها، در سطح جامعه، رو به رشد و ترقی است. ولی آیا این زمینه در مهم ترین بخش آموزشی کشور - آموزش و پرورش - نیز مهیا شده؟ با توجه به وضعیت آموزش، در مدارس دولتی، کمبودها و کاستی هایی که بدون اغراق و پیش داوری، جامعه از آن آگاه است و مشکلاتی که در روند آموزش دولتی، در تمامی مقاطع، وجود دارد، شاید به دنبال موسیقی رفتن و انتظار برخوردی در خور، و در اسلوب آموزش های دولتی داشتن، کمی و یا حتی تا حد زیادی تجملاتی و غیر واقعی به نظر برسد. اما روش آموزش رسمی هنوز در بسیاری از کشورها، تنها روشی است که مورد بهره برداری جدی قرار می گیرد و شیوه ای است که برای حصول به برخی اهداف، بسیار مناسب می باشد.

تاکنون در مدارس ایران، آموزش موسیقی، به شیوه ای طبقه بندی شده و مشخص، در برنامه آموزش

نگاهی اجمالی به کتب درسی هنر، درخصوص آموزش موسیقی:

طی تحقیقی در راستای این امر، سه کتاب از کتب راهنمایی آموزش هنر و هنر مدارس از دهه پنجاه (۱۳۵۴ ش.)، دهه شصت (۱۳۶۴) و دهه هفتاد (۱۳۷۳) و آخرین چاپ کتاب هنر که در سال ۱۳ نگاشته شده، بررسی گردید. این گزینش، به این دلیل بدین صورت انجام گرفت که معمولاً کتب چاپ شده، در یک سال، طی سال‌های آتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند و سه نمونه کتاب درسی منتخب، هر یک در دوره‌های زمانی خود، در واقع چندین سال کاربرد داشته‌اند.

در راهنمای هنر سال پنجم دبستان ۱۳۵۳، یادآوری شده که وظیفه اصلی مربی، راهنمایی معنوی و فکری و برانگیختن ذوق و رغبت کودکان، به نقاشی و تقویت حس ابتکار و قدرت آفرینش آنان است. به احتمال زیاد، این کتاب، تکرار مطالب کتاب راهنمای سال اول، دوم، سوم و چهارم دبستان نیز می‌باشد که در مقطع پنجم تکرار شده است. در این کتاب، که در واقع راهنمای تدریس کتاب هنر است، تنها به هنر نقاشی و تمرین، در جهت چند مبحث زیربنایی مانند خط، نقطه و سطح پرداخته است و هدف و برنامه‌ای برای آموزش سرود و موسیقی به چشم نمی‌خورد. در کتاب راهنمای تدریس هنر (۱۳۶۴)^۱، تهیه شده توسط گروه تألیف، برای چهارم و پنجم دبستان، فهرست موضوعی کتاب به شرح زیر است: بخش نقاشی، بخش خوشنویسی، بخش کاردستی، بخش سرود، بخش نمایشنامه و بخش داستان.

با مقایسه‌ای گذرا، بین فهرست دو کتاب راهنمای تدریس، می‌توانیم تغییراتی را در نحوه‌ی سیاست‌گذاری و تعیین روش برای مربی، شاهد باشیم. در این کتاب، تنها به مبحث نقاشی پرداخته نشده است و بخش‌های متنوع دیگری به کتاب اضافه شده است. در بخش سرود کتاب، به شکل خلاصه، به چند نمونه اجرای سرود، در آموزشگاه و روش تدریس آن اشاره شده و آورده شده است که: «برای اجرای یک سرود، همه دانش‌آموزان ناچارند از ریتم خاص آن سرود پیروی کنند؛ پیروی از ریتم، باعث ایجاد هماهنگی، در کارها و تقویت روحیه همکاری میان دانش‌آموزان می‌گردد. از طرف دیگر، عده‌ای از دانش‌آموزان، در هنگام پاسخ‌گویی به معلم، به علت کم‌رویی نمی‌توانند آنچه را که می‌دانند، بیان کنند. در این حالت، درس سرود به کمک دانش‌آموزان آمده و این شعف را از بین می‌برد.»

درواقع، این کتاب، اجرای سرودهای دسته‌جمعی را، دادن روحیه به دانش‌آموزان و راه‌ابراز وجود او می‌داند. در کتاب مذکور عنوان شده که ریتم‌های محکم، در دانش‌آموزان، روح سلحشوری و نشاط به وجود می‌آورد. این روحیه، دانش‌آموزان را از خمودی بیرون می‌کشد و او را برای کارهای بزرگ آماده می‌سازد و زمینه‌ای برای یادگیری هر چه سریع‌تر فراهم می‌آورد. به آموزگار توصیه شده که در صورت بلند نبودن نت‌های موسیقی، آهنگ، ریتم و شعر سرودی را که می‌خواهد در کلاس تعلیم دهد، خود فرا بگیرد.

به هر تقدیر، روندی که در دهه شصت، در امر آموزش سرود، به وجود آمد، وی توانست تنوع آموزش آن را با استفاده از سرودهای اوایل انقلاب رقم بزند. آنچه آن که از کتب آن دوره مشهود است - دیگر پی گیری نشد و در دهه اخیر و سال های گذشته، کاملاً از کتب درسی حذف گردید.

مسئله بعد، سپردن وضعیت سرود (به عبارتی همان موسیقی) به ارگان پرورشی مدارس است.^۶ اگر بخواهیم تعریف آموزش موسیقی را در کشورهای پیشرفته مدنظر قرار دهیم، در مجموعه آموزش و پرورش کشورمان، هیچ برنامه ریزی خاصی برای موسیقی و آموزش آن وجود ندارد. در واقع برنامه موسیقی، که از آن، تنها جنبه «سرود» و «شعرخوانی» در نظر گرفته می شود، تنها در حد یک «فوق برنامه» است. در مدارس کشورمان، در حال حاضر، مربی پرورشی، به عنوان سامان دهنده ی فعالیت های فوق برنامه معرفی می شود. این مربیان، معمولاً متخصص نیستند و دست اندرکاران مجموعه آموزش و پرورش معتقدند که یکی از دلایل عمده ی فقر آموزش موسیقی، فقر نیروی متخصص است.

درواقع تنها قدمی که فعلاً آموزش و پرورش در این زمینه برداشته است، تهیه نوارهای سرود و قرار دادن آن در اختیار مدارس است. با علم به این که ایجاد فرصت خواندن، برای کودکان و نوجوانان، زمینه ساز حرکت های فرهنگی دیگر است، این امر بسیار مثبت ارزیابی می شود، به طوری که طی تحقیقی، مشخص شده که مدارس از نوارهای سرود منتشر شده، بسیار استقبال می کنند و در مسابقات دانش آموزی، از آنها استفاده فراوان می شود. کارشناسان آموزش و پرورش مسلماً به این امر واقفند که با تربیت گوش دانش آموزان، می توان زمینه های بعدی را برای هرچه فعال تر شدن بخش «آموزش موسیقی» در مدارس به وجود آورد.

این راهنمای روش تدریس، دست مربی را در برگزیدن راه های مختلف، برای آموزش سرود، باز گذاشته است، ولی تأکید به حفظ کردن آن توسط دانش آموزان دارد. با بررسی کتاب هنر همان سال^۳، در فهرست عناوین، سرودهای همشاگردی سلام (۱)، همشاگردی سلام (۲)، خمینی ای امام (۱)، خمینی ای امام (۲)، سرود ما مسلح به الله اکبریم و سرود گلبانگ آزادی به چشم می خورد.

با توجه به نوآوری در شیوه تدریس و کتاب هنر دانش آموزان، در زمینه سرود، مطالب (سرودها) بکثراخت هستند و هدف درنهایت، پرکردن ساعات هنر و از برکردن طوطی وار آنها بوده و به ایجاد حس زیبایی شناسی و علاقه به آن، در دانش آموزان منجر نمی شود.

کارشناسان برنامه ریزی معتقد بودند که مطالب این کتاب، برای کودکان، سنگین بوده است، ولی در اصل به دلیل نبود زیربنایی اصولی، برای پی گیری این مسئله (آموزش موسیقی)، آگاهی نداشتن مربیان از چگونگی آموزش صحیح و ناکافی بودند توضیحات کتاب راهنما و ... در طی سال های که کتاب مذکور مورد استفاده بوده، اندک اندک به حذف بخش هایی، از جمله بخش سرود دست زده شد، که به این ترتیب در سال ۱۳۷۳ در کتاب آموزش هنر پایه پنجم دبستان^۴، دیگر اثری از این بخش به چشم نمی خورد. در این کتاب، موضوع مورد اهمیت، نقاشی و خوشنویسی ست و فهرست موضوعی کتاب، مرتبط با توانایی های دانش آموزان پایه پنجم دبستان به نظر نمی آید.

در آخرین چاپ کتاب هنر مختص اول و دوم راهنمایی^۵ ۱۳۷۵، هیچ نشانه ای از آموزش سرود، در مدارس دیده نمی شود و روند آموزش آن که در سال های ۶۴ به بعد جزو عناوین کتاب مورد نظر بوده، به کل حذف می گردد.

طی تحقیقی در ارگان آموزش و پرورش، به نکته جالب توجهی پی برده شد و آن، جدایی بخش «آموزش» و «پرورش» در رکن اصلی سازمان آموزش و پرورش است. بخش «آموزش» برای ساعات درسی دانش آموزان، برنامه ریزی می کند و بخش «پرورش» برای ساعت فوق برنامه، بخشی از دروس هنری نیز به قسمت «پرورش» واگذار شده اند که سرود (موسیقی) یکی از آنهاست. با توجه به این تقسیم وظایف در سازمان، بخش «آموزش» بر روند استفاده از نیروهای جدید و استخدامی تأثیرگذار است، به گونه ای که نیروهای استخدام شده، می بایست در چارچوب نظام «آموزش و پرورش» استخدام شوند و نمی توانند تحت عنوان نیروهای خاص، برای بخش «پرورش»، به استخدام «آموزش و پرورش» درآیند و به این ترتیب است که در مدارس، امکان استفاده از مربی های سرود (موسیقی) و متخصص، در بخش «پرورش»، میسر نمی شود، زیرا چنین درسی در نظام برنامه ریزی؛ به کل، وجود خارجی ندارد.

درواقع آموزش و پرورش به عنوان یک سازمان غریب و طویل و مهم ترین متولی انتقال علوم و دانسته ها به کودکان، نوجوانان و جوانان، در چارچوب نظام آموزشی، موظف است در برنامه ریزی برای ساعات هنری دانش آموزان، زمانی برای آموزش و پرورش موسیقایی، با کمک روانشناسی نوین، در نظر بگیرد؛ نه به این صورت که این مسئله به عنوان برنامه ای خارج از چارچوب برنامه اصلی دانش آموزان باشد، بلکه در نظام آموزشی، جایگاهی برای آن در نظر گرفته شود، که تنها به این صورت مربیان و آموزندگان، قادر به برخورد جدی با این امر خواهند بود.

ایران، سرزمینی است با پیشینه ی فرهنگی غنی در زمینه شعر، ترانه و موسیقی. آیا می توان از این پیشینه غنی فرهنگی، برای رشد و اعتلای هنری دانش آموزان سود برد؟ در انتظار چنین روندی هستیم.

■ منابع و پی نوشت:

- ۱- راهنمای تدریس هنر، پنجم دبستان، سازمان کتاب های درسی ایران، تهران، ۱۳۵۴.
 - ۲- راهنمای تدریس هنر، چهارم و پنجم دبستان، تهیه شده توسط گروه تألیف و تهیه ی کتاب های درسی هنر، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تهران، ۱۳۶۴.
 - ۳- هنر چهارم دبستان، پدیدآورندگان محمدحسن هاشمیان، امین جواهری، قاسم درودگر و عبدالعلی شماسی، تهران وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۴.
 - ۴- آموزش هنر در پایه ی پنجم دبستان، تألیف دکتر هادی هزاره ای، بخش آموزش هنر هادی حاجی آقاجانی بخش خوشنویسی، وزارت آموزش و پرورش تهران، ۱۳۷۳.
 - ۵- آموزش هنر اول و دوم راهنمایی، محمد مهدی هراتی، محمدعلی کشاورز، جعفر پوررهنما، عبدالله درخشانی و هادی حاجی آقاجانی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۴۵.
- عبر اساس تحقیق میدانی و مصاحبه با مسئول مورد نظر در ارگان آموزش و پرورش. گفتنی است نام ایشان در دفتر نشریه مقام محفوظ می باشد.
- ادامه دارد

با این اوصاف، وضعیت بخش رسمی آموزش و پرورش در مدارس، تا حدی آشکار می شود. موسیقی و سرود، در حد برنامه ای سواي نظام درسی دانش آموزان و کاملاً جانبی تلقی می شود. بخش سرود و آهنگ های انقلابی آموزش و پرورش هم سعی دارد که حتی المقدور، با وجود امکانات و اختیارات بسیار محدود، این مسئله را در آموزش و پرورش رسمی زنده نگاه دارد. به امید آن روزی که با ایجاد شرایط و موقعیت های مساعدتر، قادر به پیاده کردن برنامه های خود باشد.

امروزه، روش های آموزش، دچار تغییر و تحول اساسی شده است. در ضوابط آموزش گذشته، معلم محور و اساس آموزش را تشکیل می داد. او اطلاعات را به آموزنده منتقل می کرد و آموزنده مانند دریافت کننده ای، آنها را ضبط کرده و به کار می بست، اما با نفوذ روانشناسی معاصر، این رابطه ی آموزش تغییر کرده است.